

یک نظر کوتاه

Fri 13 03 2009

پ- البرز

وقتی در نمایشگاه کتاب تهران چشمم به این کتاب افتاد،، هیچگاه گمانم براین نبود که بخوادم قلم بر دست گرفته و نقدی بر آن بنویسم. نقدی از زبان يك جوان ایرانی که شاید با توجه به شرایط زندگیش، بتواند داوری عادلانه‌ای بر آن داشته باشد.

اولین نکته‌هایی که با دیدن سطحی کتاب ذهنم را مشغول کرده بود سوالات زیر بود:

۱- چرا پس از گذشت ۳۰ سال از بهمن ۵۷ اسناد گروه‌های سیاسی و اعترافات و... که عموماً مربوط به ساواک است، باید تنها در اختیار وزارت اطلاعات گروه حاکم، مورخان، محققان و ناشران آنها باشد؟ و چرا نباید در دسترس عموم قرار گیرد؟!

۲- چرا در این مقطع زمانی که در دانشگاه‌های ایران، در میان دانشجویان و دگراندیشان، گرایش شدید به چپ صورت پذیرفته این کتاب به چاپ رسیده؟! و چرا از گروه‌های دیگر چنین اسنادی منتشر نشده است؟

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با انتشار این کتاب گامی نور را در تاریخ نویسی برداشته و آن چیزی نیست جز تاریخ نویسی بر پایه اوراق بازجویی و پرونده‌های ساواک شاه. مندی که تاریخ نویسی بدین صورت (براساس بازجویی‌های زیر فشار روحی و شکنجه) با نخستین اصول تاریخ نویسی، مغایر است. حال نویسنده پرا فراتر نهاده و در جاهایی براین اساس به پردازش و قضاوت نشسته است؛ و این در حالیست که هیچ دادگاهی اعترافات زیر شکنجه را مستند نکرده و بر آن تکیه نمیکند.

کتاب "چریک‌های فدایی خلق" مصداقی روشن از تاریخنگاری سلیقه‌ای و گزینشی و نمایش تاریست از آنچه میتواند نقاط تیره از يك تشکیلات سیاسی باشد.

نابرابری در نقد و نقد یکطرفه، آنهم از سوی گروهی که اطلاعات و اسناد را بصورت انحصاری در اختیار دارد. اسنادی که در دهه ۶۰ کلید سرکوب فداییان بود و اکنون ابزار سوء استفاده فرهنگی و تاریخی در جهت نیل به اهداف جمهوری اسلامی.

انتخاب سلیقه‌های اسناد و تحلیل و قضاوت یکسویه‌ای که در نهایت به جمع کردن و نایاب شدن کتاب در بازار تهران انجامید. اما چرا؟ چرا و به چه دلیل کتابی که با سلیقه و دستچین اسناد ساواک و تخریب برخی چهره‌ها و جانب‌اختگان فدایی همچون جاودان "حمید اشرف" و القاء خصوصیات نظامیگری و "گانگستریسم" به خواننده به چاپ رسیده، پس از زمان کوتاهی از طرف خود ناشرین جمع آوری و نایاب میگردد.....؟

مگر نه اینکه اسناد بایگانی شده در هر کشور، جزئی از میراث و تاریخ مردم آن کشور است؟ چرا تنها بهره برداری از این اسناد، برای سرکوب مخالفان و تخریب فرهنگی دگر اندیشان است؟

جمع آوری کتاب از بازار تهران آنهم در فاصله کوتاهی از آغاز فروش آن نشان داد که ناشر و حامیان نشر این کتاب نه تنها به هدف خود که همانا نابودی کامل چپ و حذف آن از صحنه سیاسی و فرهنگی است، نرسیدند بلکه تلاش‌های پیشین خود را در جهت حذف فدایی و افکار سوسیالیستی بی ثمر دیدند.

اینان، به عینه مشاهده کردند که تابش اندکی نور از زاویه‌ی انتخابی از جسم، می تواند سایه‌ای هرچند تاریک و مبهم تشکیل دهد که از آن می توان به حقیقتی نسبی از جسم پی برد و حقیقتی که در تاریکی نمایان شود در روشنایی می تواند به يك اصل تبدیل گردد.

در مجموع انتشار این کتاب هر چند ناعادلانه و بدور از ارزشها و اصول نخستین تاریخنگاری بود اما، برای نسلی که پس از بهمن ۵۷ پا به زندگی گذاشته است- و با تمام محدودیتها و نواقص، علاقه‌مند به آگاهی و دگر اندیشیست- میتواند روزنه‌های کوچک باشد برای تعقیب حقیقت.

پنجشنبه ۹ آبانماه ۱۳۸۷